

# نظارت و شفافیت فراگیر؛ لازمه حکمرانی کارآمد

سعید صادقی جقه\*

اشاره:

پایبندی به مقررات و قوانین از ملزومات یک دیوانسالاری کارآمد و موفق است. با این حال، همانطور که در قضایایی نظیر فیش‌های حقوقی نامتعارف و یا بذل و بخشش‌ها و تخفیف‌های گوناگون به افراد خاص شاهد بوده‌ایم، بسیاری از متخلفان اداری و مالی در سازمان‌های مختلف توانسته‌اند تخلف خود را به نحوی از انحاء به مقررات و قوانین جاری مستند سازند. با توجه به روند فزاینده این گونه تخلفات در سازمان‌های مختلف کشور، در مطلب حاضر ضمن بررسی وضعیت موجود، علل و پیامدهای احتمالی این نوع از سوء استفاده از قانون مورد توجه قرار گرفته و راهکارهایی برای برون‌رفت از آن پیشنهاد خواهد شد.

## مقدمه

شفافیت مالی و اداری از آنجایی که زمینه پاسخگویی را فراهم می‌سازند، جزو یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم حکمرانی خوب در جوامع امروزی به‌شمار می‌روند. در دنیای کنونی، به سختی می‌توان بدون شفافیت، انتظار داشت که اقتصاد و جامعه به کارکرد مؤثر دست یابند. با وجود شفافیت است که جامعه می‌تواند اطمینان یابد که قدرت و اختیاراتی که توسط قانون و در فرایندهای انتخاباتی گوناگون به مسئولان و سازمان‌های دولتی و عمومی واگذار شده است، مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد. در این میان، دسترسی به اطلاعات از جمله مؤلفه‌های مهم دستیابی به شفافیت مطلوب و نظارت دقیق است.

در نقطه مقابل، می‌توان گفت که در غیاب شفافیت، سرمایه اجتماعی تضعیف و یا نابود می‌شود و اعتماد از رابطه میان حکومت و جامعه رخت بر خواهد بست که نتیجه آن نیز جز عدم ثبات اجتماعی و فقدان زمینه‌های لازم برای رشد اقتصادی نخواهد بود. این موضوع در کشورهایی نظیر ایران مصداق بیشتری دارد چرا که علاوه بر وجود مسیری بلند تا دستیابی به توسعه اقتصادی، تولید نفت نیز می‌تواند به عاملی تبدیل شود که دولت‌ها را از اعتماد عمومی بی‌نیاز سازد.

پایبندی به قانون نیز که همه مراحل نهادی وضع، تفسیر و اجرای آن را شامل می‌شود، زمینه اعتماد و اتکای مردم و بخش خصوصی به ثبات تصمیم‌گیری‌ها را فراهم می‌سازد. قانون‌مندی تضمین‌کننده این امر است که تصمیم‌ها و اقدامات مسئولان و دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی بر اساس قانون بوده و از انگیزه‌های ناشی از فساد، قسوم و خویش‌بازی، پارتی‌بازی و منافع گروه‌های خاص عاری است. بدیهی است که وجود حداقلی از اعتماد عمومی نسبت به قانون‌مداری و شفافیت نظام اداری و حکومتی لازمه هرگونه فعالیت اجتماعی و سیاسی و به‌ویژه اقتصادی است.

جنبه‌های اجتماعی و راهبردی تخلفات مزبور مورد توجه قرار گرفته و پیامدهای احتمالی آنها بررسی خواهد شد.

### تأملی در وضعیت موجود

موضوع دریافت حقوق و مزایای کلان از سوی برخی مدیران ارشد دستگاه‌های مالی و بانکی عمومی و شبه‌دولتی که به «فیش‌های نجومی» معروف شد، یکی از مهمترین و تازه‌ترین موارد عدم رعایت شفافیت و رویه‌های غیرشخصی در امور سازمانی و مدیریتی بود. با اینکه حقوق‌ها و مزایای مزبور در اکثر قریب به اتفاق موارد، با رعایت مقررات و رویه‌های موجود و پس از طی مراحل قانونی پرداخت شده بودند، اما از آنجایی که با میانگین دریافتی‌های سایر شاغلان و نیز وضعیت اقتصادی و معیشتی کنونی تناسب نداشت، در افکار عمومی شائبه تخلف از مقررات و قوانین را برانگیخت و شهروندان در موقعیت‌های مختلف و به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی، پرداخت‌های مزبور را مورد سؤال قرار دادند. تشکل‌ها و شخصیت‌های حامی دولت نیز با اشاره به وضعیت رکود در کشور، دریافت حقوق‌های نامتعارف را موجب آزدگی و یأس مردم دانسته و با یادآوری حقوق پایین مدیران اوایل انقلاب و دوران جنگ، خواستار شفافیت و برخورد با این موضوع اعتمادسوز شدند. در این میان، طیف منتقد و مخالف دولت نیز که افشای موضوع فیش‌ها را کلید زده بود، با نادیده گرفتن منشاء و زمان آغاز پرداخت این حقوق‌ها و نیز صرف نظر کردن از نقش سایر نهادهای نظارتی و قانون‌گذاری

به‌رغم اذعان به اهمیت وجود و رعایت رویه‌ها، مقررات و قوانین شفاف در فعالیت‌های مختلف سازمانی از سوی همه مقامات و کارشناسان کشور، در عرض دست کم دو دهه اخیر موارد متعددی از اقدامات خلاف رویه، مقررات و یا قانون در کشور مشاهده شده است که سطوح مختلف مدیریتی و سازمان‌های مختلف در آن دخیل بوده‌اند. در اغلب موارد، افشاء و رسیدگی به اقدامات مزبور با عناوینی نظیر «تخلف» و «اتهام» شروع شده، اما سپس به قراردادهای مجرمیت منتهی شده‌اند و کمتر پرونده‌ای وجود داشته است که با برائت خاتمه یافته باشد.

موقتی بودن توجه جامعه و جناح‌های سیاسی نسبت به موضوع تخلفات و مشغول شدن سریع به سایر موضوعات از دیگر آسیب‌های مرتبط با تخلفات اداری و مالی بوده است.

تکرار تخلفات مزبور و انتشار اخبار آنها در سطح جامعه، پیامدهای منفی کوتاه‌مدت و درازمدتی بر جای می‌گذارد که از آن جمله می‌توان به سلب اعتماد مردم از نهادهای حاکمیتی، تضعیف یا نابودی احترام مردم به قانون و قانون‌مداری و تشویق آنها به قانون‌گریزی و سوءاستفاده از مسئولیت اشاره کرد. همچنین قابل تصور است که به هر میزان که اخبار تخلفات مزبور گسترده‌تر بوده و نهادهای مختلفی از حاکمیت را در بر بگیرد، به همان اندازه موجب هراس کارآفرینان و سرمایه‌گذارانی می‌شود که آینده فعالیت خود را صرفاً در فضایی باثبات، قانون‌مند و پیش‌بینی‌پذیر می‌جویند. در ادامه نوشتار، ضمن نگاهی اجمالی به برخی از مهمترین موارد تخلفات و جرایم اداری و سازمانی در ماه‌های اخیر، برخی از

تخلّف در اسرع وقت و استرداد وجوه مربوطه به بیت‌المال و عزل مدیران متخلّف را خواستار شد. پرونده این موضوع تا زمان نگارش این مطلب، با اقداماتی نظیر استرداد بخش قابل توجهی از وجوه پرداختی به بیت‌المال، استعفا یا عزل برخی از مدیران ذی‌نفع، انتشار داوطلبانه فیش‌های حقوقی از سوی تعدادی از مسئولان، افشاگری درباره پرداختی‌ها به مدیران مالی و بانکی در دولت سابق و نهایتاً اقداماتی در قوای سه‌گانه برای اصلاح قوانین و مقررات در جریان بوده است.

با فاصله چند ماه از طرح موضوع فیش‌های نجومی، پرونده دیگری از اتهامات مربوط به تخلفات مالی و سازمانی در شهرداری تهران گشوده شد. بر اساس اتهامات مزبور، که از یک نامه استعلامی سازمان بازرسی کل کشور به شهرداری تهران استنباط شده بود، تعدادی از زمین‌ها و املاکی که در اختیار شهرداری تهران بود، با تخفیف‌های کلان در قیمت‌گذاری و سپس با تسهیلات نامتعارف در پرداخت بهای ملک، به تعدادی از مدیران و کارکنان شهرداری، برخی اعضای شورای شهر و تعدادی از افراد خارج از سازمان شهرداری تهران واگذار شده است. پیش از این، برخی کارشناسان و نیز اعضای شورای شهر تهران، از جمله رئیس کمیسیون سلامت و نیز رئیس کمیسیون برنامه و بودجه، در مناسبت‌های مختلف نسبت به شفاف‌نبودن سیستم اطلاعاتی حسابرسی شهرداری تهران تذکر و اعتراض خود را اعلام کرده بودند. البته لازم به یادآوری است که موضوع اعطای املاک تخفیفی هنوز در حد ابهام و استعلام بوده و مسئولان شهرداری نیز در موقعیت‌های مختلف ضمن دفاع از عملکرد خود، هرگونه واگذاری را در چارچوب موازین قانونی و اختیارات خود دانسته‌اند؛ به طوری که شهردار تهران طی نامه‌ای به دادستان کل کشور، خواستار رسیدگی سریع و قاطع به هرگونه تخلّف در مجموعه مدیریتی خود شد. رئیس شورای شهر تهران نیز طی نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه، ضمن یادآوری حساسیت موضوع، خواستار تسریع در رسیدگی به پرونده مزبور شد تا از مخدوش شدن اعتماد مردم جلوگیری شود.

عدم قرائت گزارش تحقیق و تفحص از بنیاد شهید و مجموعه اقتصادی تحت مدیریتی آن از دیگر مواردی بود که برخی از نمایندگان مجلس را، از جمله رئیس کمیته تحقیق و تفحص از بنیاد شهید در مجلس هشتم، بر آن داشت ضمن اعلام اعتراض

در گذشته و حال، با بهره‌گیری از فرصت ایجادشده، دولت را مورد انتقاد و حمله قرار دادند و تلاش کردند تصویری اشراف‌گرا و رفاه‌طلب از مسئولان دولتی ترسیم نمایند. در مقابل، برخی فعالان سیاسی مستقل یا حامی دولت نیز خواستار شفاف‌شدن حقوق و دستمزد مسئولان همه نهادهای حوزه عمومی، نیروهای مسلح، تعاونی‌ها و... شدند. گروهی دیگر نیز خواستار ارائه گزارش‌های شفاف‌تر از هزینه‌های واقعی برخی پروژه‌های ملی و یا شهری شدند که بعضاً توسط برخی شرکت‌های منتسب به نهادهای نظامی و انقلابی انجام شده است. مسئولان دولتی بلافاصله نسبت به این موضوع واکنش نشان دادند و شخص رئیس‌جمهور در تیرماه ۱۳۹۵ با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری در خصوص لزوم ایستادن در مقابل حقوق‌های نامتعارف و ضمن یادآوری درستکاری اکثر مدیران ارشد دولت، تأکید کرد که «دولت برای عذرخواهی از مردم لکنت ندارد» و با دریافت حقوق‌های نامتعارف مقابله خواهد کرد. در همین راستا، رئیس‌جمهور طی فرمانی، معاون اول خود را موظف کرد تا موضوع را پیگیری کرده و به مردم گزارش دهد. وی با یادآوری این نکته که ممکن است پرداخت‌های مزبور در مواردی «با مقررات به‌جامانده از دوره‌های قبل توجه‌پذیر باشد» در هر حال، آنها را با معیارهای عدالت‌خواهانه و مسئولیت در برابر بیت‌المال و نیز منشور اخلاقی دولت ناسازگار و غیرقابل قبول خوانده و برخی موارد را نیز مصداق سوء استفاده از اعتماد دولت دانسته و شناسایی همه موارد



سال‌های قبل از جمله موارد تخلفات و فساد مالی و اداری است که در سال‌های اخیر افزایش یافته و سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را نسبت به دولت و نهادهای حاکمیتی خدشه‌دار نموده است.

### علل و پیامدها

فقدان و یا عدم رعایت رویه‌ها و مقررات مربوط به شفافیت و پاسخگویی، علاوه بر اینکه زمینه سوءاستفاده از مسئولیت را فراهم می‌کند، در عین حال، فرصتی در اختیار افراد و رسانه‌های مغرض یا غیرمسئول قرار می‌دهد که با اعلام آمارها و برآوردهایی که اغلب بدبینانه هستند، جامعه را با سردرگمی و تناقض مواجه ساخته و سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را در روندی فرسایشی گرفتار سازند. در این مورد می‌توان به موضوع فیش‌های حقوقی اشاره کرد که اولاً در صورت وجود شفافیت در مسائل مالی و دستمزدی تعدادی از مدیران، اصلاً زمینه‌ای برای بروز نمی‌یافت؛ و ثانیاً، اگر اطلاع‌رسانی صحیح و بهنگام در مورد آنها صورت نمی‌گرفت، قطعاً آسیب‌های عمیق‌تری به اعتماد عمومی وارد می‌ساخت؛ هرچند که در این حد نیز آسیب‌نگران‌کننده‌ای را موجب شده است که ترمیم آن دشوار خواهد بود. خارج‌بودن برخی دستگاه‌ها از شمول قوانینی نظیر قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت، قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و گسترده‌ترشدن تدریجی دایره این‌گونه استثناها به سازمان‌های مختلف و نیز اجتهاد شخصی، عملکرد سلیقه‌ای و بخشی از سوی

مکرر نسبت به این امر، در فرصت‌های مختلف با علنی ساختن فرازهایی از گزارش مزبور، مدعی وجود تعداد زیادی از تخلفات در بنیاد شوند که می‌توان به تخلفاتی در بانک، بیمه و صرافی دی، تخلفات سازمان اقتصادی کوثر، تخلفاتی در سازوکار اعطای درصد جانبازی، تخلفاتی در استخدام نیروها و اعطای تسهیلات به جانبازان و ایثارگران و تخلفاتی در زمینه برخی واگذاری‌ها و مناقصه‌ها اشاره کرد. در آخرین تحول در این ارتباط، دادستان عمومی و انقلاب تهران از ارجاع گزارش مربوط به بانک دی به دادگاه خبر داده و بازداشت مدیرعامل سابق این بانک را تأیید کرد. در گزارشی دیگر، رسانه‌ها در اوایل شهریور ۱۳۹۵ گزارش‌هایی حاکی از احتمال وقوع فساد مالی در بانک سرمایه و صندوق فرهنگیان منتشر کرده و برخی از اعضای کمیسیون آموزش مجلس نیز خواستار انجام تحقیق و تفحص از این صندوق شدند. در گزارش‌های منتشره، مواردی نظیر اختلاس، حقوق‌های نجومی، سوءمدیریت و ناکامی در جلب رضایت فرهنگیان که سرمایه بانک را تأمین کرده‌اند و نیز عدم اخذ وثیقه‌های متناسب برای وام‌های کلان آمده است که پیامد آن، انباشت معوقات به بیش از ۴ هزار میلیارد تومان بوده که بیش از سه هزار میلیارد تومان از آن متعلق به ۵ نفر است.

در کنار این موارد کلان، موضوعاتی نظیر واردات خودرو با استفاده از سهمیه ارز دارو (بنا به گزارش رئیس انجمن ملی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، تیر ۱۳۹۵)، بازداشت چند نفر از اعضای شورای شهر تبریز، بررسی عملکرد و عزل شهردار نیشابور توسط هیئت تخلفات اداری وزارت کشور، تخلفات از مقررات شهرسازی نظیر پدیده شاندیز و پروژه جهان‌مال در مشهد، پیگیری‌های قضایی برخی از اعضای شورای شهر کرمانشاه، اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در بانک‌ها (سال‌های ۱۳۸۸ تا ۹۰)، اختلاس ۱۰۰۰ میلیارد تومانی در سازمان تأمین اجتماعی (آبان ۱۳۹۰)، بازداشت تعدادی از کارکنان گمرک پرویزخان در ارتباط با پرونده قاچاق ۱۵ هزار میلیارد تومانی (۱۳۹۲)، تخلف ۱۲ هزار میلیارد تومانی در پروژه راه آهن مشهد - گرگان (دوره دولت نهم)؛ تعطیلی اداره ثبت اسناد و املاک نهاوند به دلیل احضار کارکنانش به دادگستری (اسفند ۱۳۹۴) و ابهامات مربوط به خصوصی‌سازی شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی از جمله شرکت مخابرات در



کشور و نیز تضعیف و یا نابودی اعتبار قانون در جامعه اشاره کرد. بدیهی است که وقتی شهروندان مشاهده کنند دریافتی یک مسئول در نظام اسلامی و عدالت خواه ده‌ها برابر حداقل دستمزد در کشور بوده و حتی در مقام مقایسه، از حقوق رؤسای جمهور کشورهای بزرگ دنیا نیز بیشتر است و یا شاهد اعطای معجزه‌ها و تخفیف‌های گوناگون به گروهی خاص از شهروندان باشند، ممکن است احساس تعلق خود را نسبت به نظام و کشور از دست داده و یا صرفاً در پی تأمین منافع خود باشند.

موضوعاتی نظیر افشاگری درباره دریافتی‌های نامتعارف، اعطای ملک و یا هرگونه امتیاز و رانت خارج از ضوابط در هر ارگان و سازمانی، فی‌نفسه آسیب نبوده و حتی شاید فرصتی باشد تا نهادهای مسئول با استفاده از آن بتوانند از طریق برخورد قاطع با متخلفانی که با شعار و ظاهر سازی در صدد سوء استفاده از جایگاه و منصب خود برمی‌آیند، ضمن تبرئه کل نظام، زمینه ترمیم شکاف میان نظام و مردم را فراهم ساخته و انگیزه برای درست کاری و قانون‌مداری را تقویت نمایند.

سیاسی‌کاری، موضع‌گیری و برخورد گزینشی با تخلفات مشابه و نیز مصلحت‌سنجی و پنهان‌کاری از جمله مواردی است که می‌تواند آسیب وارده به سرمایه اجتماعی را تشدید نماید. به عنوان مثال، رئیس دیوان محاسبات مجلس در تیرماه ۱۳۹۵ از اطلاع آن دیوان از دریافت‌های غیرمعارف خبر داد و علت رسانه‌ای نکردن موضوع را پرهیز از تلخ‌کام کردن مردم دانست. گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، شخصیت‌های مذهبی، ارگان‌های انقلابی و ملی نیز بعضاً ممکن است بنا به دلایلی مواضع تبعیض‌آمیزی در قبال تخلفات مشابه اتخاذ کنند که این امر، از یک طرف مباحث مربوط به تخلفات و یا قانون‌شکنی‌ها را در حد منازعات جناحی تنزل می‌دهد و از طرف دیگر، نزاع جناحی بر سر پرونده‌های تخلف ممکن است باعث ایجاد ملاحظاتی

برخی مدیران (که ممکن است با مقاصد خیرخواهانه و در جهت تسریع امور انجام گرفته باشد) از جمله دلایل بروز تخلفات اداری است که خواه ناخواه فساد مالی را نیز در پی می‌آورد.

در کنار ضعف‌ها و حفره‌های قانونی، آسیب‌نگران‌کننده‌ای نیز در سطوح مختلف مدیریتی و اداری کشور به چشم می‌خورد. لازم است این موضوع به صورت عمیق مورد بررسی قرار گیرد که چرا تعدادی از مدیران ارشد کشور نگاهی غنیمتی به منابع عمومی داشته و از هیچ فرصت و روزنه قانونی برای سوء استفاده از مقام و منصب خویش و به حداکثر رساندن منافع شخصی خود چشم‌پوشی نمی‌کنند. این نکته با در نظر گرفتن این فرض قابل تأمل‌تر می‌شود که صلاحیت‌ها و شایستگی اخلاقی و سیاسی همه این مدیران پیش از انتصاب مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. همچنین لازم است به افزایش بسیار شدید این گونه سوء استفاده‌ها از گریزگاه‌های قانونی در سال‌های اخیر اشاره کرد، در حالی که همین گریزگاه‌ها در دهه‌های گذشته نیز موجود بود اما، موارد قانون‌گریزی و سوء استفاده به صورت کاملاً استثنایی و نادر روی می‌داد و ارقام سوء استفاده نیز بسیار کوچکتر از ارقام کنونی بود.

در هر حال قابل انکار نیست که تداوم این وضعیت تبعات بسیار ناگواری در سطوح و عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در بر دارد که از مهمترین آنها می‌توان به القای حس غارت اموال عمومی به مردم و بی‌انگیزه‌شدن شهروندان قانون‌مدار نسبت به وضعیت

در قوه قضاییه و دادگاه رسیدگی کننده شده و روند رسیدگی قضایی را مختل نماید. علاوه بر این، به موازات قطبی شدن فضای سیاسی کشور بر سر هر کدام از پرونده‌های تخلف، احکام صادره نیز مورد تردید و نقد جناحی قرار گرفته و زیر سؤال برده می‌شود که همین امر نیز نهایتاً به تضعیف و سلب اعتماد عمومی نسبت به نهادهای مسئول منجر خواهد شد. از همین رو بوده است که دادستان کل کشور در تیرماه ۱۳۹۵ ضمن اشاره به موضوع حقوق‌های کلان برخی مدیران و درخواست عزل مدیرانی که تخلف آنها با اسناد و مدارک ثابت می‌شود، ابراز تأسف کرد که فیش‌های حقوقی به ابزاری برای برخورد‌های جناحی تبدیل شده است.

موقتی بودن توجه جامعه و جناح‌های سیاسی نسبت به موضوع تخلفات و مشغول شدن سریع به سایر موضوعات از دیگر آسیب‌های مرتبط با تخلفات اداری و مالی بوده است. به عنوان مثال، رئیس جمهور در پی افشای فیش‌های نامتعارف، در بیانیه‌ای ضمن اعلام نتیجه بررسی‌ها درباره منشأ قانونی وقوع تخلفات مزبور، همه دستگاه‌های اجرایی را مرظف نمود که ظرف یک ماه «تمام حقوق و مزایای دریافتی کلیه مقامات کشوری و لشکری را به صورت حداقل و حداکثر دستمزد و پرداختی ماهانه در سایت وزارتخانه یا سازمان ذیربط و همچنین در سایت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برای آگاهی عموم درج نمایند»؛ اما با گذشت بیش از دو و نیم ماه از صدور دستور مزبور، این امر از سوی هیچ کدام از سازمان‌ها و نهادها اجرا نشده است.

### نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد موضوعاتی نظیر افشاگری درباره دریافتی‌های نامتعارف، اعطای ملک و یا هرگونه امتیاز و رانت خارج از ضوابط در هر ارگان و سازمانی، فی‌نفسه آسیب نبوده و حتی شاید فرصتی باشد تا نهادهای مسئول با استفاده از آن بتوانند از طریق برخورد قاطع با متخلفانی که با شعار و ظاهر سازی در صدد سوء استفاده از جایگاه و منصب خود برمی‌آیند، ضمن تبرئه کل نظام، زمینه ترمیم شکاف میان نظام و مردم را فراهم ساخته و انگیزه برای درست کاری و قانون‌مداری را تقویت نمایند. همانطور که برخی کارشناسان متذکر شده‌اند، در بدنه ساختار دیوان‌سالاری هر کدام از سازمان‌ها و دستگاه‌های کشور کسانی وجود دارند که طی سالیان مختلف با تصویب برخی

مقررات و تثبیت بعضی رویه‌ها، ظاهری قانونی برای مزایا و پاداش‌های نامتعارف خود ایجاد کرده‌اند. بدیهی است که چنین افرادی، صرف‌نظر از اینکه کدام فرد یا جناح مسئولیت اداره کشور را بر عهده داشته باشد، خواهان حفظ وضعیت موجود هستند. اما در هر حال می‌توان با اقداماتی نظیر انتشار دریافتی نمایندگان، مسئولان ارشد و مدیران در وبسایت‌ها، فراهم کردن زمینه فعالیت روزنامه‌نگاری تحقیقی و نیز افزایش شفافیت در نظام دیوان‌سالاری کشور، اجرای دقیق و بدون ممانعت قوانینی نظیر ممنوعیت به کارگیری بازنشسته‌ها و دوشغله‌ها، شمول همه دستگاه‌ها به نظارت و حسابرسی شفاف و علنی، قطع هرگونه ارتباط میان فعالیت‌های سودآور و وظایف سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی زمینه‌های ابهام و سوء استفاده را به حداقل رساند.

نکته مهم دیگر درباره این دسته از تخلفات، استناد به قوانین و مقررات است؛ به طوری که در بررسی حقوقی، شاید بتوان بخش اندکی از آنها را قانون‌شکنی حساب کرده و به مجازات قانونی رساند. به همین دلیل، در این گونه تخلفات و سوء استفاده‌ها، سؤال اساسی درباره قانونی بودن یا غیر قانونی بودن ظاهری آنها نیست؛ بلکه مسئله عبارت است از منافات اقدامات مزبور با ارزش‌های مسلم اجتماعی و اخلاقی. از این رو است که ضمن جدی گرفتن تخلفات و بررسی دقیق علل افزایش آنها، باید پدیده مزبور را همانند سرطانی دانست که در صورت عدم علاج، می‌تواند تمام ساختار و اجزای نظام سیاسی و اداری را در بر گرفته و آن را با مشکلات بسیار جدی مواجه سازد.

